

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	مشخصات نشر	مشخصات ظاهری
جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.	۵۲۱ص.
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳	
	بلاها - - جنبه‌های جامعه‌شناختی.	موضوع
	رسانه‌ها و افکار عمومی.	موضوع
	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.	موضوع
	مدیریت بحران - ایران - تهران.	موضوع
	بلاها - - آینده‌نگری.	موضوع
	۱۳۹۵ ج ۲ / ۵۵۳ HV	رده‌بندی کنگره

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظنونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

اخلاق اجتماعی و خلییات ایرانی



حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی

محمد رضا کلامی

عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

واکنش‌ها به حادثه پلاسکو و گفت‌وگوها و اظهار نظرهایی که درباره آن در عرصه عمومی شکل گرفت را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ این اظهارات، متضمن چه معانی فرهنگی هستند؟

برهه وقوع یک رخداد غیرمنتظره (از جمله یک بحران ناگهانی)، لحظه گسست در روند زندگی روزمره است؛ وقفه‌ای است که در سیر عادی زندگی می‌افتد و موجب فاصله گرفتن از زیست روزمره و اندیشیدن به خویش می‌شود. رخداد غیرمنتظره، پرسش برانگیز است: چرا چیزی رخ داد که نباید رخ می‌داد یا انتظار آن نمی‌رفت؟ جامعه برای مدتی، سیر معمول خود را متوقف می‌کند، از روند متداول خود دست می‌کشد، و از گذر آن حادثه، به خود می‌اندیشد: چه پتانسیلی درون جامعه ما بود که نمی‌شناختیم و می‌توانست آستن رخدادی باشد

که انتظارش را نداشتیم؟ پیامد این پرسش، این هراس است که آن پتانسیل پنهان، بتواند در آینده رخدادهایی مشابه رقم بزند. از این پس، تلاش‌ها برای شناختن آن چهره دیگر جامعه، که چنان پتانسیلی را در خود پنهان کرده بوده، آغاز می‌شود. رخداد غیرمنتظره، عامل برانگیختن گفت‌وگوهای گاه پرشور در عرصه عمومی می‌شود.

برانگیخته‌شدن اندیشه و درگرفتن گفت‌وگو، الزاماً به معنای آن نیست که اندیشه‌ای نظام‌مند و گفت‌وگویی قاعده‌مند در میان همه بازی‌گران درگیر در عرصه عمومی، شکل خواهد گرفت. به معنای آن نیست که همه افراد جامعه، فرایند اندیشه‌گری نظام‌مندی را برای کشف عوامل پنهان دخیل در حادثه، دنبال می‌کنند. چنین پی‌گیری نظام‌مندی، تنها از عهده متخصصان برخوردار آمد، اما در میان عموم غیرمتخصص، این اظهارات، معانی دیگری خواهد داشت.

رخداد غیرمنتظره، برانگیزاننده احساسات است و اگر رخداد، ناگوار و فاجعه‌بار باشد، این احساسات، از قبیل غم و گاه خشم خواهد بود. غلیان احساسات، عقاید و درونیات را قطبیده می‌کند، یعنی به اغراق می‌کشاند؛ یا بی‌ملاحظه می‌کند و در شکل عریان خود، بی‌محاسبه به نمایش می‌گذارد. فرد عصبانی، طاقت و توان محافظه‌کار ماندن و محاسبه کردن و رعایت کردن جوانب کار را ندارد و درونیات خود را عریان و بی‌محاسبه بروز می‌دهد. لحظه بحران جمعی، لحظه عصبانیت جمعی است. پنهان‌کاری‌ها و ادب‌ورزی‌های معمول، ظریف‌تر از آن به نظر می‌رسد که در برهه بحران، همچنان حفظ شود. نقاب‌های ملاحظه و جانب‌اندیشی، پاره می‌شوند و چهره عریان و بی‌ملاحظه، خود را به بیرون پرتاب می‌کند. در سطح فرد، گفتارها و اظهارات عصبانی، پس از فرونشستن عصبانیت، کنار گذاشته می‌شوند و چهره‌ی معقول و منطقی، دوباره پدیدار می‌شود. در این زمان، گاه اظهارات زمان عصبانیت، مشمول پشیمانی و ندامت می‌شوند. اما



در سطح اجتماعی، اوضاع متفاوت است. ادبیاتی که حول رخداد غیرمنتظره و احساسات برانگیز جمعی شکل می‌گیرد، باگذشت زمان، پایدار می‌ماند و به بخشی از فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود. حادثه، بسته به شدت خود، نقطه عطفی در تاریخ جامعه می‌شود و زمان را به پیش و پس از خود تقسیم می‌کند. تفاوت این پیش و پس، ناشی از همان ادبیاتی است که در مقطع حادثه، حول آن تنیده شده، رشد کرده و در فرهنگ عمومی رسوب کرده است.

در چهارچوب ادبیاتی که از این رهگذر شکل می‌گیرد، بخش‌هایی از جامعه، مقصر تلقی می‌شوند، بخش‌هایی دیگر، قربانی به حساب می‌آیند و بخش‌های دیگری، قهرمان یا منجی دانسته می‌شوند. مقصران، مورد سرزنش، نکوهش یا بازخواست قرار می‌گیرند. قربانیان، سزاوار ترحم یا دست‌گیری پنداشته می‌شوند؛ و قهرمانان، شایسته ستایش یا پاداش شناخته می‌شوند. مقصر، قربانی و قهرمان/منجی، سه شخصیت محوری هستند که بخش‌های مختلف جامعه را ذیل خود دسته‌بندی می‌کنند و از خلال آن، ساختار فرهنگی جامعه را می‌سازند.

در این یادداشت، پرسش آن است که در مجموعه‌ی اظهارنظرهای منتشر شده در عرصه‌ی عمومی درباره‌ی حادثه‌ی پلاسکو، این سه شخصیت چه‌گونه ساخته می‌شوند؟ چه کسانی قربانی معرفی می‌شوند؛ چه کسانی قهرمان ماجرا هستند؛ و چه کسانی مقصر دانسته می‌شوند؟ خصوصاً بر شخصیت مقصر متمرکز خواهیم شد و بر این که تقصیر و قصور او چه‌گونه توضیح داده شده و به چه عواملی نسبت داده شده است.

برای دستیابی به اظهار نظرهای منتشر در عرصه‌ی عمومی، فراخوانی در فضای تلگرامی منتشر کردم و از مخاطبان خواستم تا آخرین پنج اظهارنظری که آن‌ها در این باره در عرصه‌ی عمومی (اعم از تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک یا گفتگوهای شفاهی) خوانده یا شنیده‌اند



را صرف نظر از قوت و ضعف آن برای من ارسال کنند. اظهارات باید از طرف افراد حقیقی ابراز شده و فراتر از خبررسانی صرف، شامل حداقلی از تحلیل یا قضاوت درباره‌ی حادثه باشد. حدود ۱۶۰ نفر به این فراخوان پاسخ دادند. یادداشت حاضر، نتیجه‌ی تحلیل اولیه‌ی داده‌هایی است که از این طریق جمع‌آوری شده است. بدیهی است که چنین داده‌هایی قابلیت تعمیم ندارند. بنابراین جستار حاضر، درباره‌ی کل واکنش‌های ابراز شده در عرصه‌ی عمومی به حادثه‌ی پلاسکو نیست. اما می‌توان ادعا کرد که بخش قابل توجهی از عرصه‌ی عمومی در ایران مصداق مدعیات این جستار هستند. آنچه در این یادداشت آمده، یک خط روایت پررنگ در عرصه‌ی عمومی در ایران است گرچه خطوط روایتی دیگری نیز در این عرصه حاضر و با هم در رقابت‌اند. در حادثه پلاسکو، در میان گفتارهای منتشر در عرصه عمومی، بیش از همه دو شخصیت برجسته بود: قهرمان و مقصر. در میان صدها یادداشت و اظهار نظری که درباره پلاسکو دیدم، کمتر اظهارنظری درباره مال‌باختگان حادثه وجود داشت. علی‌القاعده، قربانی اصلی حادثه باید کسانی باشند که از آن زیان دیده‌اند. فروریزی چنین ساختمانی، لابد از آن رو فاجعه است که کسانی کسب و معیشت خود را از دست داده‌اند. اما در واکنش‌های عمومی درباره حادثه، این گروه غایب‌اند. واکنش‌ها، حول دو گروه می‌چرخد: قهرمانان و مقصران. درباره مقصران، اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما قهرمان‌ها، یک‌صدا، آتش نشانان هستند و درباره آن‌ها چنان صحبت می‌شود که گویا قربانی هم هستند. فقدان توجه به قربانیان در فرهنگی که قربانی (یا «مظلوم») شخصیتی معمولاً مورد توجه، شایسته ترحم و مورد حمایت است، جای تحلیل دارد. لازم به ذکر نیست که منظور آن نیست که واکنش‌های عرصه عمومی باید به قربانیان هم توجه می‌کرد. منظور آن است که این فقدان توجه، شایسته تحلیل است که البته در این نوشتار قصد انجام



آن را ندارم.

انجام هر تحلیلی از ابعاد فرهنگی درگیر با چنین حادثه‌ای، نیازمند گذشت زمان و فاصله گرفتن از آن است. اما تا حدی که در فرصت فعلی می‌شد پی گرفت، و تا جایی که پی‌گیر بودم، بخش عمده واکنش‌های عمومی در فضاهایی مانند گروه‌های تلگرامی و صفحات ایستاگرام، در کنار تکریم و تعظیم آتش‌نشانان به عنوان قهرمان/قربانی، معطوف به جستجوی مقصر بود. کسان مختلفی به علل متفاوت، مقصر حادثه معرفی شده بودند. از سازمان آتش‌نشانی، مسئولان شهری و مسئولان دولتی، مردمی که در صحنه حاضر بوده‌اند، تا کل مردم و به‌طور کلی فرهنگ عمومی در ایران. مقصرها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مردم و مسئولان. این‌جا، صحت و سقم این موضع‌گیری‌ها، یا میزان مقصر بودن هر یک از موارد فوق، مورد نظر نیست. نحوه مواجهه با عامل یک حادثه، چنان که در عرصه عمومی طرح شده، مورد توجه است. این هر دو عامل، ممکن است به درجاتی و از طرفی، در بروز حادثه نقش داشته باشند (و حتماً دارند) اما طیف وسیعی از واکنش‌های ابراز شده، متضمن چیزی بیش از صرف تحلیل حادثه و تعیین عوامل منجر به بروز حادثه‌اند. دانستن این نکته که تحلیل‌ها چیزی بیش از پرداختن به خود حادثه در خود داشتند، نیازمند تحقیق خاصی نیست. تحلیل معتبر، نیازمند دانش تخصصی و تحقیقات فنی دقیق است. بدیهی است صرف این داده که در یک برج، آتش‌سوزی شده و بعد فرو ریخته است (حدی از اطلاعات که بخشی وسیع از واکنش‌دهندگان به حادثه دارند)، نمی‌تواند شواهد و داده‌هایی کافی برای ابراز نظر درباره علل واقعه، در اختیار اظهارنظرکنندگان قرار دهد. به عنوان مثال، اگر واقعه‌ای مشابه در کشوری دیگر رخ دهد، این اظهارنظرکنندگان، نمی‌توانند به سرعت، مدیریت شهری آن شهر، یا سازمان آتش‌نشانی آن یا فرهنگ عمومی مردم آن‌جا را عامل حادثه



معرفی کنند. احتمالاً واکنش آن‌ها در برابر خبر فروریزی یک برج در کشوری دیگر، به تأسف و سپس سکوت محدود می‌ماند. نتیجه آن که ابراز نظر درباره حادثه پلاسکو، نتیجه شناختی از خود حادثه نیست. چیزی بیش از تحلیل حادثه، در این ابراز نظرها نهفته است. چه چیزی بیش‌تر از تحلیل خود حادثه، در این واکنش‌ها نهفته است؟ پاسخ این پرسش، البته نیازمند پژوهشی فراتر از مجالی است که در این یادداشت وجود دارد، اما می‌توان مبتنی بر مشاهدات اندک در همین زمان کوتاه، حدس‌هایی زد. به عنوان مثال، یکی از حدس‌ها آن است که احتمالاً می‌توان هم‌پستگی‌ای میان گرایش‌های سیاسی افراد و نوع مقصری که معرفی می‌کنند، یافت. مثلاً، با توجه به این که گرایش سیاسی شهردار و دولت در برابر هم است، می‌توان انتظار داشت، مقصرها به شکلی معنادار به دو دسته تقسیم شوند: کسانی که دولت را مقصر می‌دانند و کسانی که شهرداری را. اما این دسته‌بندی سیاسی، بیش‌تر در میان کسانی که گرایش سیاسی مشخصی دارند، مشاهده خواهد شد. بخشی عمده از واکنش‌ها در میان مردم عادی غیرسیاسی، دولت و شهرداری را با هم مقصر دانسته‌اند. گویا در این‌جا دسته‌بندی دیگری به جز دسته‌بندی‌های سیاسی دخالت دارد. به این بحث بازخواهیم گشت.

اما بخش زیادی از نظرات مطرح در عرصه عمومی، مردم و فرهنگ مردم را در این حادثه نکوهش کرده‌اند. اوج این نکوهش، مربوط به تجمع مردم در حین حادثه و پس از آن و گرفتن فیلم و عکس بوده است. اما مقصر دانستن مردم، محدود به همین حد نبوده و فراتر از آن، فرهنگ عمومی مردم به‌طور کلی، به شیوه‌های مختلف، دخیل و مقصر در حادثه یا در پیامدهای آن تلقی شده است. در عموم این دست از واکنش‌ها، شخصیتی به اسم «مردم» یا «فرهنگ مردم» ساخته می‌شود که صفت‌های منفی مختلف و مشخص دارد. این شخصیت، سپس به عنوان شاه‌کلید تمام مشکلات عمل می‌کند. علت هر مسئله و



مشکلی، به راحتی می‌تواند به این عامل اعظم نسبت داده شود. مقصر اصلی همه حوادث اوست. مانند دست پشت پرده‌ای می‌ماند، که پنهان و ناشناس بوده و اکنون با شناسایی او، معما حل شده است. اظهار نظر درباره عوامل فرهنگی هم به اندازه اظهار نظر درباره عوامل فنی و مدیریتی، نیازمند تخصص و پژوهش است. «مردم» یک کل بسیط نیست که بتواند همه‌جا، یک شکل و هماهنگ عمل کند. «مردم» چیزی نیست به جز یک اسم جمع، برای مجموعه متفاوت و متنوعی از افراد که دیدگاه‌ها، اعتقادات و عادات رفتاری متفاوتی دارند. خیل عظیم نویسندگان و اظهارنظرکنندگان درباره واقعه، که مردم را متهمان اصلی معرفی کرده‌اند، خود بخشی از همین مردم‌اند که منتقد چیزی هستند که «فرهنگ مردم» می‌خوانند. در این‌جا نیز اظهارنظرها، متضمن چیزی فراتر از خود موضوع هستند. چه چیز فراتری در این اظهارات نهفته است؟

واکنش‌های احساسی و عصبانی، البته طبیعی است. از مردم عادی انتظار نمی‌رود که هنگام وقوع حادثه، عصبانی نشوند یا منتظر تحلیل‌های کارشناسانه بمانند. اما سمت‌وسویی که این عصبانیت به خود خواهد گرفت، بخش‌هایی از معانی فرهنگی رایج در میان مردم آن جامعه را آشکار خواهد کرد.

نکته مهم در بسیاری از این مقصریابی‌ها، آن است که در چهارچوب دوگانه «ما-آن‌ها» صورت می‌گیرند. در خلال واکنش‌ها به حادثه، عکس‌هایی منتشر شده بود از ساختمان‌هایی در یک «کشور پیشرفته» که آتش گرفته و با امکاناتی بهتر و شیوه‌ای کارآمدتر در حال خاموش شدن است. در این عکس‌ها، صرف این ادعا که تصویر، مربوط به یک کشور پیشرفته است، کافی بود تا با همان یک عکس، عملیات آتش‌نشانی «آن‌ها»، کارآمدتر تلقی شود. به محض آن که تصویر «آن‌ها» به عنوان طرف کارآمد، شکل گرفت، ناکارآمدی سویه دوم دوقطبی،



که «ما» هستیم، بی‌نیاز از هیچ استدلال فنی و توضیحی کارشناسانه، محرز خواهد شد. شاه‌کلید مشکلات، همین «ما» بودن است که ویژگی کلیدی‌اش عبارت است از «عقب‌ماندگی». در پشت همه توضیحات و توصیفاتی که درباره تقصیرکار بودن مسئولان یا مردم ارائه می‌شود، یک عامل اصلی پنهان است که همان «عقب‌ماندگی» ماست. این است عاملی که همه‌چیز را می‌تواند در طرفه‌العینی توضیح دهد.

ادعا آن نیست که در کشور ما، همه نظام‌ها کارآمدند، یا همه مسئولان بی‌تقصیر و درستکارند، یا فرهنگ عمومی ایرادی ندارد. همچنین بحث بر سر آن نیست که کشورهای موسوم به پیشرفته، از لحاظ صنعتی و اقتصادی و بوروکراتیک و حتی فرهنگی، از ما کارآمدتر هستند یا نه. موضوع آن است که صرف این ادعا که آن‌ها کارآمدتر و ما ناکارآمدتریم، صرفاً مقایسه «توصیفی» دو نوع جامعه است. این توصیف، نمی‌تواند توضیحی برای علت‌های مشکلات جامعه ما ارائه کند. نکته مهم در اظهارنظرهای عرصه عمومی درباره واقعه پلاسکو (و درباره وقایع بسیار دیگر) آن است که دوگانه «ما-آن‌ها»، از سطح مقایسه «توصیفی» دو نوع جامعه (یکی پیشرفته و دیگری عقب‌مانده) فراتر می‌رود و در جایگاه «تبیین» قرار می‌گیرد. عقب‌مانده بودن ما، علت ناکارآمدی ماست؛ گویا بخشی از وضع وجودی ماست، نه صرفاً توصیفی از وضعیت موجودمان.

این چهارچوب نگاه، «ما» را به عنوان «عقب‌مانده» در مگای به تصویر می‌کشد که گویا خروج از آن ممکن نیست. این دوگانه، فقط مستقیماً در تحلیل‌ها ظاهر نمی‌شود. سایه غول عقب‌ماندگی بر سر فضای ابراز نظر، سنگین است، به نحوی که قرار نگرفتن در شعاع آن، و دچار نشدن به خطای منطقی ناشی از آن، نیازمند حساسیت و مراقبت مداوم است. این سایه سنگین، مانع از آن می‌شود که مشکلات دارای راه‌کارهای تکنیکی و تحلیلی معینی دانسته شوند. فراموش می‌شود که



«پیشرفت کردن»، چیزی نیست جز حل جزء به جزء همین مشکلات خرد و ریز، که هر کسی در حد خود با آن‌ها درگیر و در قبال آن‌ها مسئول است. گویا برعکس، برای آن‌که مشکلات مان حل شود، ابتدا باید از شر این عقب‌ماندگی خلاص شویم، بعد به مدیریت امور بپردازیم. این، آن چیزی است که هم فراتر از تحقیقات فنی و هم فراتر از گرایش‌های سیاسی، در بخشی عمده از اظهار نظرها وجود دارد. در چنین چارچوبی، بدون نیاز به واری‌های فنی و گرایش سیاسی، همه اجزای جامعه، از مردم و تاریخ و فرهنگ‌شان گرفته تا نظام سیاسی و مدیریتی، به نحوی چاره‌ناپذیر، مقصر قلمداد می‌شوند.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی و پژوهشی